

Analysis of the Crime of Media Collaboration with the Zionist Regime

Ali-Morad Heydari: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. **email:** a.m.heydari@um.ac.ir

Javad Riahi: Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University (Corresponding Author), Boroujerd, Iran. **email:** riahi@abru.ac.ir

The modern dimension of the historical conflict between Muslims and Jews residing in Palestine is a discourse conflict conducted through media tools. In particular, the superior media capabilities of the Zionist regime and its supporters have revealed another dimension of Zionist aggression against Palestinian Muslims. This issue has compelled supporters of the Palestinian people to seek solutions for reducing the media dominance of the Zionist regime.

In Iran, the "Law Requiring Comprehensive Government Support for the Oppressed People of Palestine" serves as the legal basis for the crime of "failing to convey the crimes of the Zionist regime to the global public," while the "Law on Countering Hostile Actions of the Zionist Regime Against Peace and Security" serves as the legal basis for the crime of "media support for the Zionist regime."

This article was conducted using a descriptive-analytical method and through library research, legal analysis, and examination of strengths and weaknesses in the laws. Its purpose is to explain the scope of the crime of "media collaboration" with the Zionist regime and to propose solutions to certain judicial challenges.

The findings show that the Law Requiring Support suffers from problems such as lack of comprehensiveness, impracticality, absence of enforcement guarantees, and ambiguity regarding the scope of behavior. Similarly, the Countering Law faces ambiguities concerning the determination of criminal behavior, criminal consequences, and the possibility of trials in absentia, as well as challenges related to proving criminal intent, determining punishment, and identifying the competent judicial authority.

Therefore, sentencing within judicial proceedings requires limiting the scope of this crime in light of the principle of minimal judicial interpretation when establishing the elements and conditions of the offense.

Keywords: Palestine, Zionist regime, media, cyberspace, media support.

تحلیل جرم همکاری رسانه‌ای با رژیم صهیونیستی

نوشته

علی مراد حیدری*

جواد ریاحی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

چکیده

جنبه نوین درگیری تاریخی بین مسلمانان و یهودیان ساکن فلسطین، درگیری گفتمانی با ابزار رسانه‌ای است. به‌ویژه امکانات برتر رسانه‌ای رژیم صهیونیستی و حامیان آن، بعد دیگری از تعدی صهیونیست‌ها بر مسلمانان ساکن فلسطین را نمایان کرده است و این مسئله، حامیان مردم فلسطین را به چاره‌اندیشی برای کاهش سلطه رسانه‌ای رژیم صهیونیستی واداشته است. در ایران، "قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین" به‌عنوان زیربنای جرم "نرساندن جنایات رژیم صهیونیستی" به‌گوش جهانیان و "قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت" به‌عنوان زیربنای جرم "حمایت رسانه‌ای از رژیم صهیونیستی" بستر حقوقی این موضوع است.

این مقاله به‌شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل قوانین و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن انجام شده و هدف آن، تبیین دامنه جرم "همکاری رسانه‌ای" با رژیم صهیونیستی و ارائه راهکار حل برخی چالش‌های قضایی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قانون الزام، با اشکالاتی مانند عدم جامعیت، غیرقابل اجرا بودن، فقدان ضمانت اجرا و ابهام در دامنه رفتار و قانون مقابله، با ابهاماتی مانند تعیین رفتار مجرمانه، نتیجه مجرمانه و امکان رسیدگی غیابی و نیز با چالش‌هایی در احراز عنصر روانی، تعیین مجازات و تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی روبه‌رو است. از این رو کیفرگزینی در فرایند دادرسی مستلزم تحدید دامنه این جرم در پرتو اصل تفسیر قضایی حداقلی در احراز ارکان و شرایط جرم است.

کلیدواژه: فلسطین، رژیم صهیونیستی، رسانه، فضای مجازی، حمایت رسانه‌ای.

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
a.m.heydari@um.ac.ir

** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) (نویسنده مسئول)، بروجرد، ایران
riahi@abru.ac.ir

نحوه استناد به این مقاله: حیدری، علی مراد و ریاحی، جواد (۱۴۰۵). تحلیل جرم همکاری رسانه‌ای با رژیم صهیونیستی. رسانه، ۳۷ (۱)، ۲۱۵-۲۳۲.

مقدمه

آغاز، تکرار، گسترش و تعمیق درگیری‌ها بین فلسطینیان و رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی، کرانه باختری و به‌ویژه باریکه غزه از یک‌سو و نیز حساسیت افکار عمومی جهانی به این تقابل از سوی دیگر، موجب تحول در ابعاد این درگیری‌ها و ظهور و اهمیت دوچندان بعد رسانه‌ای و اقناعی در این درگیری‌ها شده است. اهمیت این بعد از تقابل به‌طور خاص در عملیات "طوفان الأقصى" نمایان شد، به‌گونه‌ای که بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران، پیروزی و شکست در این نبرد را به پیروزی یا شکست در افکار عمومی تفسیر کردند.

قلمرو و بستر این نوع از نبرد، افکار عمومی مردم دنیا و جنگ‌افزار آن رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی است. فرماندهان و افسران این نبرد نیز، خبرنگاران، مجریان، مدیران و تحلیل‌گران شبکه‌های خبری و نیز چهره‌های مشهور و پرمخاطب در شبکه‌های اجتماعی هستند. از سوی دیگر، به‌موازات گسترش نبرد رسانه‌ای، مبانی حقوقی آن هم اهمیت یافته و حامیان رسانه‌ای هر یک از طرفین نبرد، سعی در آماده‌سازی زیرساخت‌های حقوقی حمایت رسانه‌ای و تبیین و تثبیت آن دارند. ایران نیز در درجه نخست به‌عنوان یک کشور نزدیک به منطقه درگیری و بخشی از جهان اسلام و در درجه دوم به‌عنوان کشوری که به‌عنوان حامی مادی و معنوی گروه‌های مقاومت فلسطین شناخته شده، از این قاعده مستثنی نیست.

رویکرد حمایت رسانه‌ای ایران از مردم فلسطین مبتنی بر آموزه‌های دینی و مستند به حکم قرآنی "تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ اتَّقُوا وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ" (مائده: ۲) است که بندگان را دستور داده یکدیگر را بر نیکی و تقوی یاری کنند و از معاونت بر گناه، خودداری کنند (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۴۰). همچنین روایات زیادی وجود دارد که بر وجوب حمایت از مظلوم در برابر ظالم دلالت می‌کند. از جمله آن فرمایش پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «هر کسی فریاد انسانی را بشنود که مسلمانان را به یاری و کمک می‌طلبد و به یاری او نرود، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۶۴).

در کتاب صحیح مسلم هم از ایشان روایت شده است که فرمود: «همه مسلمانان برادر یکدیگرند، به همدیگر ظلم نمی‌کنند و در مقابل دشمنان یکدیگر را رها نمی‌کنند و به‌خود وا نمی‌گذارند» (القشیری النیشابوری، ۱۹۹۶م، ج ۴: ۵۸).^۲ در روایت دیگری فرمود: «هر کس نزد او مؤمنی خوار شود ولی او را یاری نکند - در حالی که قادر بر نصرت وی باشد - خداوند عزوجل روز قیامت نزد تمام خلائق او را خوار خواهد ساخت» (هیکل، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۸۳؛ العاملی، ۱۴۰۹ق، جلد ۱۲: ۲۶۷).^۳ همچنین در وصیت امام علی (ع) به حسن بن (ع) آمده که:

۱. «وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»

۲. «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ؛ لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يُسْلَمُهُ»

۳. «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»

«دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید» (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۹۸).^۱ و در جای دیگر فرمودند: «کسی که ظلم می‌کند و کسی که با او همکاری دارد و کسی که به آن رضایت دارد، هر سه شریک‌اند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۰۹).

در ساحت مدیریت رسانه‌ای، دست‌اندرکاران رسانه درباره جایگاه، رسالت و مسئولیت اجتماعی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ذهنیت‌های مختلفی دارند؛ برخی با تأکید بر جایگاه مهم عوامل درون‌سازمانی در دروازه‌بانی مطالب و اعتقاد به عینی‌گرایی نسبی بیشتر متمایل به ملت، مسئولیت اجتماعی صدای جمهوری اسلامی را اجتناب از عوام‌فریبی، مبارزه با فرهنگ استعماری غرب و انحراف‌های دینی و مذهبی در جامعه می‌دانند و برخی دیگر با تأکید بر جایگاه مهم عوامل برون‌سازمانی در دروازه‌بانی مطالب و اعتقاد به عینی‌گرایی نسبی بیشتر متمایل به حکومت، مسئولیت اجتماعی صدای جمهوری اسلامی را حمایت بدون استثنا از سیاست‌ها و برنامه‌های ارکان آن می‌دانند و برخی دیگر دیدگاه‌های دیگری دارند (مانی‌فر و هوسپیان، ۱۴۰۲: ۱۴۳). با این حال وجه مشترک این دیدگاه‌ها، تبیین واقعیت و حقیقت از یک سو و پرهیز از انفعال در برابر قدرت رسانه‌ای رایج دنیا است. در همین راستا قانون‌گذار ایرانی کوشش کرده قوانین حمایتی از جمله در جهت حمایت رسانه‌ای از مردم فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی تصویب کند که «قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین» مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۱ و «قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت»^۲ مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ از جمله این کوشش‌ها است.

در این پیوند، پرسش اصلی، تعیین دامنه موضوعی جرم «همکاری رسانه‌ای» با رژیم صهیونیستی در پرتو رابطه این قوانین با دیگر قوانین مرتبط با موضوع مانند ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و نیز موادی از قانون جرایم رایانه‌ای است. نویسندگان بر این باورند که حمایت رسانه‌ای از مردم مظلوم و تحت ظلم و اشغال فلسطین یک رسالت اخلاقی برای مطبوعات و فعالان رسانه‌ای است و کمترین انتظار از مطبوعات و رسانه‌های ایران، عدم تأیید و عدم حمایت رسانه‌ای از رژیم صهیونیستی است چراکه هر گونه حمایت رسانه‌ای از

۱. «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

۲. برابر ماده ۵ «قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت» مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۹: «هرگونه استفاده از سخت‌افزارهای تولیدی رژیم صهیونیستی در ایران و فعالیت سکوها نرم‌افزاری متعلق به این رژیم در کشور ممنوع است. همچنین هرگونه ارائه خدمات شرکت‌های ایرانی به این سکوها ممنوع است. فرد قاصر یا مقصر و یا مستنکف در اجرای این ماده به حبس تعزیری درجه پنج و پنج سال محرومیت از خدمات عمومی و دولتی محکوم می‌شود».

درخصوص شناسایی سکوها رژیم صهیونیستی نیز در بخشی از ماده ۵ این قانون آمده است: «مرکز ملی فضای مجازی با همکاری وزارتخانه‌های اطلاعات و ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است نسبت به شناسایی این سخت‌افزارها و سکوها اقدام کند و مراتب را جهت اعمال قانون به دادستان کل کشور اعلام کند».

این رژیم، نقض سیاست ملی ایران و مخالف با روح آزادی و عدالت‌خواهی ایرانیان است و در موارد حاد حمایت صریح و جدی از این رژیم، برخورد قضایی و کیفری هم اجتناب‌ناپذیر است. با وجود این، به نظر می‌رسد برخی اعلام مواضع و حمایت‌ها علیه ملت فلسطین یا به نفع رژیم صهیونیستی در فضای مجازی و رسانه‌ای ایران، ناشی از عدم آگاهی از تاریخ و تحولات سیاسی و گاه برخاسته از احساسات و فاقد پشتوانه اعتقادی و سیاسی و حتی گاهی نوعی اعلام موضع سیاسی داخلی است. بنابراین، تفسیر قضایی ارکان و شرایط جرم همکاری رسانه‌ای و برخورد با متهمان این حوزه باید در چارچوب مصالح ملی باشد و تا جای ممکن نباید دستاویزی برای دوگانه‌سازی غیرضروری و یا تضعیف موضع کلی دولت و مردم ایران در حمایت از ملت فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی قرار گیرد.

همکاری رسانه‌ای شامل "ترک فعل رسانه‌ای" نهادهای دولتی مانند صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رساندن جنایات رژیم صهیونیستی و نیز "فعالیت رسانه‌ای" به نفع این رژیم است. در ادامه نخست جرم ترک فعل رسانه‌ای و سپس، جرم همکاری رسانه‌ای به نفع رژیم صهیونیستی و ابهامات و چالش‌های آن بررسی شده است.

۱. ترک فعل رسانه‌ای مرتبط با رژیم صهیونیستی

در قلمرو فقه جزایی و از دید مشهور فقها، رفتارهای قابل تعزیر منحصر به انجام رفتارهای ایجابی و ارتکاب حرام نیست، بلکه ترک عبادت و واجبات الهی هم قابل تعزیر است (خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۴۰۷).^۱ از منظر حقوقی هم تعریف جرم در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، شامل هر فعل و ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. در موضوع مورد بحث مراد از ترک فعل رسانه‌ای مرتبط با رژیم صهیونیستی، رفتارهای سلبی در قالب عدم حمایت از مردم فلسطین و عدم تقابل با رژیم صهیونیستی است. در این راستا برابر ماده ۴ "قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین" مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۱:

«سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است با بسیج امکانات خود و ایجاد هماهنگی با رسانه‌های مستقل جهانی و رسانه‌های جهان اسلام، مظلومیت مردم فلسطین به‌ویژه مردم مظلوم ساکن نوار غزه و جنایات وحشیانه و ضدحقوق بشر رژیم صهیونیستی را به جهانیان برساند».

این ماده شامل دو بخش است که بخش نخست آن ترک فعل رسانه‌ای صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در "ترساندن مظلومیت مردم فلسطین" به‌ویژه ساکنان نوار غزه به گوش جهانیان و بخش دوم آن ترک فعل رسانه‌ای در "ترساندن جنایات رژیم صهیونیستی" به گوش مردم جهان است. در این خصوص چند نکته گفتنی است:

۱. «من فعل محرماً أو ترک واجباً إلهیاً عالماً عامداً عزّره الحاکم حسب ما یراه من المصلحة»

عدم جامعیت

جامعیت قانون‌گذاری از اصول پذیرفته‌شده در حقوق کیفری است و در بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، در خصوص "رعایت اصول قانون‌گذاری و قانون‌نویسی" نیز، بر "عدالت‌محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و تا جای ممکن پرهیز از استثنای قانونی" تأکید شده است (روزنامه رسمی، ۱۳۹۸، ش ۱: ۳۸۱۲۹). با وجود این، در ماده ۴ "قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین"، فقط دو نهاد دولتی صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد مکلف به اقدام شده‌اند و شامل رسانه‌های دیگر نمی‌شود.

روشن است که دولت نمی‌تواند رسانه‌های غیردولتی را ملزم به اقدام خاصی کند، به‌گونه‌ای که ترک آن دارای کیفر باشد، با این حال ده‌ها نهاد و مؤسسه دیگر هم وجود دارند که رسالت تبلیغی - رسانه‌ای دارند و از بودجه دولتی استفاده می‌کنند - مانند سازمان تبلیغات اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و ...^۱ - ولی ترک فعل آن‌ها مورد توجه قرار نگرفته است.

غیرقابل اجرا بودن

از منظر حقوق کیفری، از ویژگی‌های مهم جرم‌انگاری، "مؤثر و قابل اجرا بودن" است و در صورتی که جرم‌انگاری یک رفتار، کارآیی و اثر لازم را در پیشگیری و یا تقلیل وقوع جرم نداشته باشد، خود موجب بروز نتایج نامطلوبی از جمله تورم کیفری و همچنین از بین رفتن ارزش و اعتبار حقوق کیفری می‌شود (شمس ناتری، أبوالمعالی الحسینی، عزیزاده طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۸). در بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری پیش‌گفته نیز، بر "قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن" تأکید شده است. در موضوع مورد بحث با وجود شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، نظر به دولتی بودن نهادهای مذکور و عدم امکان اعمال مجازات‌های ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص این نهادها (میرمحمدصادقی،

۱. جالب این‌که برابر ماده ۱۴ "قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت" مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۹: «در اجرای ماده ۶ قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، کلیه دستگاه‌های فرهنگی کشور اعم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی موظفند در جهت تبیین ماهیت و افشای جنایات ضد بشری صهیونیسم بین‌الملل و رژیم منحوس اشغالگر قدس، از همه توانمندی و ظرفیت خود در جهت تولید محصولات فرهنگی استفاده کنند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است از تولید محصولات و فیلم با محتوای مذکور حمایت ویژه نماید». حال جای سؤال است که چرا فقط ترک فعل سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارای ضمانت اجرای کیفری است، اما برای ترک فعل دو سازمان دیگر، چنین ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است؟

۱۴۰۲: ۱۱۰)، هرگونه ضمانت اجرای احتمالی را باید ناظر به اشخاص حقیقی - مانند وزیر فرهنگ و رئیس صدا و سیما یا مدیران زیرمجموعه آن‌ها - دانست، با این حال با توجه به ماهیت سلسله‌مراتبی مدیریت در این نهادها، مسئول مستقیم این ترک فعل‌ها به‌طور دقیق معلوم نیست.

فقدان ضمانت اجرا

در این ماده قانونی هیچ ضمانت اجرایی برای ترک وظیفه تعیین نشده است و ناگزیر باید به قوانین کلی ناظر بر ترک فعل مدیران مانند ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) استناد کرد که ضمانت اجرای آن: "انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال" است که تعیین درجه آن مورد ابهام است و از یک سو می‌توان گفت با توجه به عدم ذکر انفصال موقت از خدمات دولتی در بندهای ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و به استناد تبصره ۳ ماده ۱۹ این قانون، تعزیر درجه هفت است (مصدق، ۱۳۹۵: ۱۲۶)؛ و از سوی دیگر می‌توان گفت با توجه به این که انفصال موقت یکی از مصادیق محرومیت از خدمات اجتماعی است، انفصال تا پنج سال، تعزیر درجه شش است (اداره حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۹۳) و روشن است که تعیین درجه این مجازات آثار متفاوت و مهمی دارد از جمله این که در صورت درجه هفت محسوب شدن، قاضی می‌تواند از نهاد معافیت قضایی استفاده کند.

ابهام در دامنه رفتار

طبق اصول کلی حقوق جزا، "شفافیت" از لوازم جرم‌انگاری است و الفاظ قانونی باید از ویژگی صراحت و وضوح برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که رفتار مجرمانه نباید مبهم، دارای کاربردهای متعدد، قابل تفسیر و قابل اطلاق بر وضعیت یا رفتارهای متعدد باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز "شفافیت" قانون را از اجزای اصل کیفی بودن دانسته که دربردارنده سه معنای "قابلیت دسترسی و دقت"، "صراحت و شفافیت" و "قابلیت پیش‌بینی قانون" است و رعایت آن را ضروری می‌داند (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

در ایران نیز یکی از سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی که در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته، کاستن از عناوین مجرمانه است. این سیاست به‌طور ضمنی دلالت بر این دارد که جرم‌انگاری‌های جدید نیز باید براساس ضرورت اجتماعی روشنی صورت پذیرد و منحصر به مواردی باشد که جز از راه جرم‌انگاری یا با افزودن جرم‌انگاری به سایر سیاست‌ها، جلب مصلحت یا دفع مفسده مورد نظر امکان‌پذیر نیست (ریاحی و حیدری، ۱۴۰۳: ۳۵).

با وجود این، رفتارهای مجرمانه تعیین شده در ماده ۴ قانون الزام دولت - "نرساندن مظلومیت مردم فلسطین" و "نرساندن جنایات رژیم صهیونیستی" به گوش مردم جهان - عنوانی

"کلی و دارای مراتب" است و مصادیق آن روشن نیست؛ به گونه‌ای که از یک سو مسئول رسانه‌ای می‌تواند صرفاً با پخش یک خبر یا تصویر از درگیری فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها ادعا کند که مظلومیت مردم فلسطین را به گوش مردم رسانده است؛ و در مقابل، مدعی العموم می‌تواند ادعا کند که متهم بسیاری از جنایات و رفتارهای خلاف حقوق بشری صهیونیست‌ها را - که از جهت تنوع، حجم و کیفیت در دنیا بی‌مانند است - به گوش جهانیان رسانده است. از جمله این مسائل تعداد شهدای فلسطینی، تعداد و نحوه ترورهای شخصیت‌های فلسطینی (برگمن^۱، ۱۴۰۱: ۴۲)، تعداد تخریب منازل و کوچ اجباری فلسطینیان در طی چند دهه اشغال و توسعه (عبدالرئوف سلیم، ۱۳۸۶: ۴۵۰)، تعداد زنان، کودکان، خبرنگاران، پزشکان، پرستاران شهید در غزه و نیز تعداد امدادگران سازمان ملل کشته‌شده طی این سال‌ها است. همچنین ابعاد جنایات و تجاوزات در قتل عام‌های مکرر مانند روستای طنحوره یا دیر یاسین (محمد صالح، ۱۴۰۱: ۱۶۷)، محدودیت‌های ایجادشده برای ساکنان اصلی سرزمین فلسطین مانند جیل الحاجر (بی‌اور^۲، ۱۳۹۹: ۶۸)، تعداد زندانیان و شکنجه‌ها و برخوردهای غیرانسانی با آنان، استفاده از سلاح‌های نامتعارف مانند بمب‌های فسفری (ابوالهوی، ۱۴۰۲: ۱۳۹)، جزئیات آثار استفاده از سلاح گرسنگی و قحطی برای مجازات جمعی فلسطینیان ساکن غزه و شهدای ناشی از گرسنگی و نرسیدن غذا و دارو و حتی تعداد قطعه‌نامه‌های صادرشده از سوی سازمان ملل در محکومیت رژیم صهیونیستی و تعداد وتوهای آمریکا در این خصوص و بسیاری از ابعاد دیگر، هنوز به مردم دنیا معرفی نشده است و در نتیجه قاضی می‌تواند این واقعیت را به مدیران نهادهای گفته‌شده نسبت داده و آنان را مجرم بشناسد.

تکلیف بمالایطاق بودن

انجام تکلیف رساندن مظلومیت مردم فلسطین و جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی به جهانیان با بسیج امکانات خود و ایجاد هماهنگی با رسانه‌های مستقل جهانی و رسانه‌های جهان اسلام، با توجه به امکانات موجود و دامنه پوشش رسانه‌ای ایران و میزان همکاری رسانه‌های دیگر، کاری نشدنی و "تکلیف بمالایطاق" است که به دلایل عقلی و نقلی غیرقابل قبول است (تفتازانی، ۲۰۰۵، ۱۴۹) و در نتیجه مجازات کردن افراد بابت ترک فعل محال، براساس عقل ناپسند و نکوهیده است.

بنا بر آنچه گفته شد، ماده ۴ "قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین" از جنبه حقوقی و قضایی، به‌طور عملی غیرقابل استناد و پیگیری و در واقع از قوانینی است که گویا "برای اجرا نشدن" نوشته شده است و در نتیجه، تنها دارای ارزش سیاسی و

1. BergmanR
2. BeaverT

تبلیغاتی بوده و در واقع اعلام موضع حکومتی و تعیین جهت‌گیری کلی برای این دو نهاد دولتی است و چه بسا عدم تعیین مجازات در ماده ۴ قانون الزام دولت هم ناشی از درک همین موضوع بوده است. با وجود این، فقدان ضمانت اجرای کیفری برای ترک فعل مدیران، مانع از سوال و استيضاح وزیر توسط نمایندگان مجلس یا پیگیری موضوع از طریق شورای نظارت بر صداوسیما نیست؛ که البته تصور این کار هم دور از ذهن است.

آنچه در بالا گفته شد، نواقص و اشکالات ناشی از متن ماده قانونی و ماهیت و آثار مستقل آن است و آنچه از نواقص و کاستی‌ها که در ارتباط با قوانین دیگر قابل تصور است بیش از این است؛ آیا این جرم در زمره جرایم مطبوعاتی است که باید با حضور هیئت منصفه و به صورت علنی و با ارفاقات جرم مطبوعاتی در دادگاه کیفری یک مورد محاکمه قرار گیرد یا این که با توجه به حساسیت موضوع و ارتباط با دولت متخاصم، یک جرم علیه امنیت است که باید در دادگاه انقلاب و با محدودیت‌های جرم امنیتی مورد رسیدگی قرار گیرد یا این که در واقع یک جرم عادی است که باید در دادگاه کیفری دو بررسی شود؟ و در صورت اخیر، آیا مشمول سازوکارهای ارفاقی مرحله تعقیب - مانند تعلیق تعقیب، خودداری از تعقیب و بایگانی کردن پرونده و... - و نهادهای ارفاقی مرحله رسیدگی - مانند معافیت قضایی، تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین حبس، تعلیق و... - قرار می‌گیرد یا خیر؟

۲. فعالیت رسانه‌ای به نفع رژیم صهیونیستی

مراد از فعالیت رسانه‌ای، انجام رفتارهای ایجابی رسانه‌ای به نفع رژیم صهیونیستی و در راستای تأیید و تقویت آن است. از منظر فقهی، برابر قاعده "حرمت إعانت بر اثم"، کمک و همکاری در گناه، حرام و مستوجب تعزیر است (محقق داماد، ۱۴۰۲: ۱۷۳). از جنبه حقوق کیفری هم طبق مقررات عمومی ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، هرگونه معاونت یا مساعدت با بزهکار، جرم و دارای مجازات است (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۱۴۰). اما به طور خاص، برابر ماده ۸ "قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت" مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۹: «هرگونه اقدامی از قبیل امنیتی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای، تبلیغی، مساعدت اقتصادی و مالی مستقیم و غیرمستقیم آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی، ممنوع است. مرتکب به مجازات حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود».

دامنه این ماده بسیار وسیع و شامل رفتارهای زیادی است؛ لکن از میان آن‌ها تنها "اقدام رسانه‌ای" آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی موضوع این نوشتار است.

۱.۲. ابهام در تعیین رفتار مجرمانه

از حیث رفتار مادی، مصادیق "هرگونه اقدام رسانه‌ای" مبهم است. برای رفع این ابهام، "کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه" در یکصد و چهلمین جلسه خود با توجه به قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی، بند "س" فهرست مصادیق محتوای مجرمانه با عنوان "محتوای مرتبط با رژیم اشغالگر صهیونیستی" را تصویب کرد^۱ که به موجب قسمت س-۳ آن، "هرگونه اقدام آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی در فضای مجازی" جزو این فهرست است؛ لکن این عبارت هم در واقع تکرار همان عبارت ماده ۸ قانون مقابله با اقدامات خصمانه است و در نتیجه کمکی به رفع ابهام رفتار مادی جرم نمی‌کند. با وجود این، رفتارهایی مانند تهیه خبر با محتوای حمایت از رژیم یا توجیه رفتارهای خشونت‌آمیز و خلاف حقوق بشر رژیم، همکاری با رسانه‌های حامی رژیم به عنوان مجری، کارشناس، تحلیلگر یا منتشرکننده محتوا، مصادیقی از این رفتار است.

۲.۲. ابهام در بستر فعالیت رسانه‌ای

ابهام دیگر این‌که عبارت بستر رسانه‌ای اقدامات تأییدی و حمایتی معین نشده است و معلوم

۱۱. بند "س" فهرست مصادیق محتوای مجرمانه شامل موارد زیر است:

س-۱ هرگونه مباشرت یا معاونت در مراودات و ارتباطات غیراتفاقی بین اتباع ایرانی و اتباع رژیم اشغالگر صهیونیستی در فضای مجازی (ماده ۱۰ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت و ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی)

س-۲ هرگونه معاونت برای سفر اتباع ایرانی به سرزمین فلسطین اشغالی از طریق فضای مجازی (ماده ۱۰ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت و ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی)
س-۳ هرگونه اقدام آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی در فضای مجازی (ماده ۸ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت)

س-۴ هرگونه همکاری، تعامل و تبادل اطلاعات با نهادها و افراد رسمی و غیررسمی وابسته به رژیم صهیونیستی (ماده ۷ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت)

س-۵ هرگونه همکاری اطلاعاتی یا جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی در بستر فضای مجازی (ماده ۶ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت)

س-۶ فعالیت سکوهای نرم‌افزاری متعلق به رژیم صهیونیستی (ماده ۵ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت)

س-۷ ارائه هرگونه خدمات به سکوهای متعلق به رژیم صهیونیستی از قبیل خدمات دسترسی، پردازش، ذخیره‌سازی، عرضه دترانماها و فروشگاه‌های اینترنتی در فضای مجازی (ماده ۵ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت)

س-۸ ارائه خدمات برای صدور هرگونه مجوز جهت مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم اشخاص حقیقی یا حقوقی از جمله شرکت‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات یا سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به رژیم اشغالگر صهیونیستی در همه نمایشگاه‌ها یا هرگونه همایش یا گردهمایی داخلی و بین‌المللی در فضای مجازی (ماده ۴ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت).

نیست تنها فعالیت در رسانه‌های دیداری - شنیداری را شامل می‌شود یا این‌که عبارت "هرگونه اقدام رسانه‌ای"، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی یا پیام‌رسان‌ها و تارنماهای خبری را هم در بر می‌گیرد؟ درخصوص تارنماهای خبری، تبصره ۳ ماده ۱ قانون مطبوعات (اصلاحی ۱۳۷۹/۱۰/۳۰) کلیه نشریات الکترونیکی را مشمول مواد قانون مطبوعات دانسته و از این جهت می‌توان آن‌ها را در زمره رسانه‌های عمومی به‌شمار آورد (حیدری و جعفری، ۱۳۹۸: ۱۵).^۱

درخصوص شبکه‌های اجتماعی یا کانال‌های اطلاع‌رسانی در پیام‌رسان‌ها، به‌ظاهر باید به‌قسمت س - ۳ فهرست محتوای مجرمانه استناد کرد که برابر آن، "هرگونه اقدام آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی در فضای مجازی" در زمره مصادیق مجرمانه شمرده شده است.^۲ به‌ویژه که با توجه به جرم‌انگاری هرگونه فعالیت تبلیغی - رسانه‌ای، چنانچه رفتاری جنبه رسانه‌ای به معنای خاص نداشته باشد ولی واجد ویژگی تبلیغی باشد نیز، مشمول جرم موضوع ماده ۸ خواهد بود.

با وجود این، نوع رسانه از حیث داخلی یا خارجی بودن و مالکیت آن از جهت خصوصی یا دولتی بودن رسانه و کیفیت رسانه از جهت چاپی بودن یا دیداری یا شنیداری یا ترکیبی بودن آن تفاوتی ندارد. با این حال، تفسیر منطقی اقتضا می‌کند که اقدامات حمایتی در فضای رسانه‌های عمومی را مشمول ماده ۸ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی بدانیم و از این روی ارسال پیام‌های خصوصی، هرچند از طریق ابزارهای رسانه‌ای باشد، مشمول این قانون نخواهد بود.

۳.۲. ابهام در نتیجه مجرمانه

از جهت نتیجه، هرچند این اقدامات باید در جهت تأیید و تقویت و تحکیم رژیم باشد، لکن تحقق جرم منوط به تحقق نتیجه نیست و به تعبیر حقوق‌دانان، جرمی مطلق است و در تحقق آن نیازی به اثبات وقوع نتیجه نیست (گلدوزیان، ۱۴۰۱: ۳۱۶). ابهامی که در این زمینه وجود

۱. گفتنی است در قانون مطبوعات فقط از مطبوعات (چاپی)، نشریه الکترونیکی و خبرگزاری داخلی نام برده شده و به دیگر انواع امروزی رسانه همچون تارنما/وب‌گاه (سایت) تصریح نشده است. بر این اساس، تنها مطبوعات، نشریات الکترونیکی و خبرگزاری‌های داخلی مشمول قانون مطبوعات بوده و از رسانه‌های الکترونیکی شامل برخط (پایگاه‌های خبری اینترنتی)، غیر برخط (انواع حامل‌های داده) و به‌عنوان سامانه - که اخبار و اطلاعات را از طریق پیامک یا شبکه‌های پیام‌رسان برای دارندگان تلفن همراه، رایانه و مانند آن ارسال کند - در آیین‌نامه اجرایی آن قانون، سخن به میان آمده است. با وجود این، با توجه به بند ب ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۹۵، تارنماهای خبری در زمره رسانه‌های الکترونیکی به‌شمار می‌آید.
۲. شبکه‌های اجتماعی یا کانال‌های اطلاع‌رسانی در پیام‌رسان‌ها را نیز می‌توان مشمول بند پ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۹۵ و در نهایت نوعی از رسانه الکترونیکی دانست که به‌عنوان سامانه، اخبار و اطلاعات را به‌صورت مستمر برای بیش از ۵۰۰ گیرنده در ۲۴ ساعت از طریق پیامک یا شبکه‌های پیام‌رسان و به‌صورت انبوه برای دارندگان تلفن همراه، رایانه و مانند آن ارسال می‌کند.

دارد، فعالیت‌های رسانه‌ای بیانگر تخطئه هر دو طرف درگیری در سرزمین فلسطین - مانند تشبیه آن به درگیری حیوانات - یا اعلام بی‌طرفی در تقابل فلسطینیان و صهیونیست‌ها - مانند انتشار شعار نه غزه نه لبنان - است.

آیا می‌توان چنین موضعی را در جهت تأیید و حمایت از رژیم صهیونیستی دانست؟ پاسخ این‌که هرچند بی‌طرفی در تقابل ستمگر و ستم‌دیده، در واقع تأیید ضمنی ستم است و از جنبه دینی و اخلاقی به شدت نکوهش شده است (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۹۶)، لکن از جنبه حقوقی به ظاهر تنها رفتارهایی که به صراحت تأیید و تقویت‌کننده رژیم صهیونیستی باشد، جرم‌انگاری شده است.

۴.۲. چالش احراز عنصر روانی

از جهت عنصر روانی جرم، رفتارهای مادی باید آگاهانه و عمدی باشد؛ بدین معنا که از محتوای محصول رسانه‌ای و وصف تأییدی - تقویتی - تحکیمی آن اطلاع داشته باشد و افزون بر این، فعالیت رسانه‌ای با سوءنیت خاص و با این هدف انجام یافته باشد که در جهت تأیید، تقویت یا تحکیم ادعاها و راهبردهای رژیم - مانند توجیه اشغالگری و شهرک‌سازی، توجیه بازداشت‌های اداری یا حبس‌های بدون تفهیم اتهام، دادن حق دفاع مشروع، توجیه ساخت دیوار حائل، محاصره و قطع خدمات شهری، مظلوم‌نمایی یا انکار جنایات انجام‌شده و تطهیر چهره آن و... - باشد. ابهام موجود در این زمینه، تحلیل‌ها و نقدهای فنی درخصوص سیاست خارجی یا سیاست نظامی یا حضور منطقه‌ای ایران و... است؛ و این‌که اگر کسی در رسانه‌های عمومی، اقدامات ایران در حمایت از گروه‌های مقاومت یا تقابل امنیتی - نظامی با رژیم صهیونیستی را نقد کرده یا زیر سوال ببرد، آیا می‌توان این اظهارات را که به‌طور ضمنی تأیید و تقویت رژیم صهیونیستی است، مشمول جرم ماده ۸ قانون مقابله دانست؟

از دیدنویسندگان، هرچند در این ماده «هرگونه اقدامی از قبیل امنیتی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای، تبلیغی، مساعدت اقتصادی و مالی مستقیم و غیرمستقیم آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی»، ممنوع دانسته شده است، لکن به‌نظر می‌رسد قید «مستقیم و غیرمستقیم» را باید ناظر به نزدیک‌ترین عنوان یعنی «مساعدت اقتصادی و مالی» دانست و در نتیجه، اظهارات رسانه‌ای که به‌طور مستقیم در جهت تأیید و تقویت رژیم نیست را نباید مشمول جرم دانست.

۱. امام صادق (ع): «كَلَامٌ فِي حَقِّ خَيْرٍ مِنْ سُكُوتٍ عَلَى بَاطِلٍ»؛ سخن گفتن درباره حق، از سکوت بر باطل بهتر است.

۵.۲. چالش تعیین قانون حاکم

اشکالی که هنگام تشخیص جرم و تطبیق رفتار مجرمانه با قانون مرتبط با آن نمایان می‌شود، ناشی از رابطه ماده ۸ قانون مقابله با اقدامات خصمانه با قوانین مشابه و موازی است. پیش از این، جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) پیش‌بینی شده بود که برابر آن: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.» (حبیب‌زاده و موسوی مجاب، ۱۳۸۵: ۱۳۲). از آنجا که ماهیت فعالیت‌های رسانه‌ای در واقع نوعی تبلیغ به‌شمار می‌آید، این پرسش مطرح می‌شود که فعالیت رسانه‌ای ناظر به اختلافات بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی مانند اظهارات و مواضع مقامات این دو کشور در سازمان‌های بین‌المللی یا نوع روابط و تعاملاتشان با کشورهای ثالث، چنانچه علیه ایران و به نفع رژیم صهیونیستی باشد، تابع کدام قانون است؟

در تحلیل موضوع باید دانست که نخست در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، تحقق عنوان «فعالیت تبلیغی» مستلزم دوام و تکرار عرفی است، در حالی که در ماده ۸ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی تداوم و تکرار شرط نیست؛ و در ثانی فعالیت تبلیغی باید مستقیماً علیه نظام جمهوری اسلامی یا به نفع «گروه‌ها» و «سازمان‌های» مخالف نظام باشد و این رژیم هم گروه یا سازمان نیست، مگر این‌که با تفسیر موسع و نظر به عدم شناسایی رسمی این رژیم به‌عنوان دولت، آن را یک سازمان تروریستی بدانیم که چنین تفسیری هم با ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ناسازگار است که برابر آن: «هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری کند، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود.» چراکه در سیاق ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، رژیم صهیونیستی جزو «دول متخاصم» به‌شمار آمده و همکاری با آن مشمول ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) خواهد بود. بنابراین، اقدام رسانه‌ای که در جهت تأیید و تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی باشد، مشمول ماده ۸ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی خواهد بود و نه ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات).

بنابر آنچه گفته شد، با این‌که شرایط و قیود ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بیشتر از شرایط ماده ۸ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی است، لکن مجازات ماده ۵۰۰ (سه ماه تا یک سال) درجه شش محسوب شده و کمتر از مجازات ماده ۸ (بیش از دو تا پنج سال) است که درجه پنج به‌شمار می‌آید؛ و این تفاوت تنها یک تفاوت در اعداد نیست، بلکه مهم‌تر از تفاوت کمی مجازات این دو و درجه تعزیری آن‌ها، آثار مترتب بر هر یک از دو درجه است که برابر مقررات قانون مجازات اسلامی و نیز قانون آیین دادرسی کیفری،

تفاوت‌های فاحشی در شمول نهادهای ارفاقی نسبت به جرم درجه پنج و جرم درجه شش وجود دارد.

افزون بر این، رسیدگی به جرم "اقدام رسانه‌ای آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی" با چالش‌های شکلی هم روبه‌رو است که مهم‌ترین چالش‌های شکلی رسیدگی به جرم همکاری رسانه‌ای با رژیم صهیونیستی به شرح زیر است.

۶.۲. چالش تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی

چالش تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی به جهت ابهام در امنیتی یا عادی محسوب شدن این جرم است که در صورت نخست باید در دادگاه انقلاب و در صورت دوم باید در دادگاه‌های کیفری عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد. برابر بند الف ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در صلاحیت دادگاه انقلاب است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۵: ۲۳۶)؛ و از جمله این جرایم، جرم تبلیغ علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است. چنانچه جرم همکاری رسانه‌ای با رژیم صهیونیستی مصداقی از عنوان کلی تر تبلیغ علیه نظام با مجازات خاص دانسته شود که از دید برخی مستلزم تکرار و استمرار است (الهی منش و مرادی او جقاز، ۱۴۰۰: ۱۳۶)، باید در دادگاه انقلاب مورد بررسی قرار گیرد و در غیر این صورت، در دادگاه کیفری دو رسیدگی شود. چالش مذکور همچنین شامل مرجع اعتراض به رأی صادره هم هست؛ چراکه اگر در دادگاه کیفری دو مورد رسیدگی قرار گیرد، مرجع اعتراض به آن دادگاه تجدیدنظر استان (خالقی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۴۸) و اگر در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی قرار گیرد، فرجام‌خواهی از آن در دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

چالش صلاحیتی تنها ناظر به صلاحیت ذاتی نیست، بلکه از جهت صلاحیت محلی هم این پرسش مطرح است که دادگاه کدام حوزه قضایی صلاحیت رسیدگی به این جرم را دارد؟ در مواردی که جرم در صداوسیما در تهران واقع شود، محل وقوع جرم مشخص است؛ لکن در صورتی که گزارشگر یا تحلیلگر و... در شهر دیگری باشد یا فعالیت رسانه‌ای مؤید رژیم صهیونیستی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باشد، مشکل تعیین محل وقوع جرم مطرح می‌شود. همچنین به طریق اولی، زمانی که مقرر رسانه پخش‌کننده فعالیت رسانه‌ای در خارج از کشور بوده یا فرد مرتکب فعالیت رسانه‌ای در خارج از کشور اقامت داشته باشد، مشکل تعیین محل وقوع جرم و حوزه صلاحیت دار محلی دوجندان می‌گردد. هرچند ماده ۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به برخی مصادیق بالا را تعیین کرده است، لکن تعیین حوزه قضایی صالح به رسیدگی در داخل ایران همچنان با دشواری روبه‌رو است.

۷.۲. ابهام در کیفیت رسیدگی به جرم همکاری رسانه‌ای

چالش کیفیت رسیدگی به جرم ناشی از ابهام در سیاسی - مطبوعاتی یا عادی محسوب شدن این جرم است. تعیین نوع جرم دو پیامد دارد؛ پیامد نخست، دادگاه صالح به رسیدگی است که چنانچه به جهت انگیزه متهم، جرم سیاسی یا به جهت ماهیت آن، جرم مطبوعاتی شمرده شود یا این که از مصادیق جرم تبلیغ علیه نظام دانسته شود که به باور برخی نمونه بارز جرم سیاسی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۷۵)، در این صورت به استناد ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری باید در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی قرار گیرد. پیامد دوم، نحوه رسیدگی به جرم است که در این صورت دادگاه باید به صورت علنی برگزار شده و با حضور هیئت منصفه در فرایند رسیدگی، به اتهام رسیدگی کند؛ لکن چنانچه جرم عادی دانسته شود، باید در دادگاه کیفری دو و بدون حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد.

۸.۲. ابهام در امکان یا عدم امکان رسیدگی غیابی

چالش امکان یا عدم امکان رسیدگی غیابی به این جرم، به جهت ابهام در حق الله یا حق الناس محسوب شدن جرم همکاری رسانه‌ای با رژیم صهیونیستی است. چنانچه جرمی فقط دارای جنبه حق الهی شناخته شود، رسیدگی و محاکمه منوط به حضور متهم است و بدون حضور وی امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد؛ ولی اگر جرمی انحصاری حق الله شناخته نشود، امکان رسیدگی غیابی وجود دارد (عابدی، ۱۴۰۲: ۲۰۹) و در صورت عدم حضور متهم در جلسات دادگاه و عدم ارسال لایحه دفاعیه و صدور حکم محکومیت متهم، حکم صادره قابل واخواهی است. جرایم مورد بحث در هر دو قانون از جرایم حق الهی است و بنابراین رسیدگی به آن منوط به حضور متهم است؛ در نتیجه، رسیدگی به اتهام متهمانی که در خارج از ایران به سر می‌برند یا حساب‌های کاربری متعلق به خود رژیم صهیونیستی یا متصدیان شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان مقیم خارج از کشور، در عمل امکان‌پذیر نیست.

نتیجه

قانون‌گذار ایران در حمایت از مردم فلسطین در قلمرو حمایت رسانه‌ای، دو قانون مهم تصویب کرده است که یکی ناظر بر ترک فعل مدیران در بازتاب وقایع فلسطین و دیگری ناظر به حمایت و تأیید رژیم صهیونیستی در فضای رسانه‌ای و مجازی است. هر یک از دو قانون پیش‌گفته اشکالات، ابهامات و نواقصی دارند که در متن نوشتار به آن‌ها اشاره شده است.

لکن از دید نویسندگان، برآیند سیاست تقنینی در این حوزه و روح حاکم بر هر دو قانون، بیش از آن‌که در چارچوب حقوق کیفری سنتی و جرم‌انگاری برای اجرا قابل تحلیل باشد، در قالب دیپلماسی عمومی و اعلام موضع انقلابی و مکتبی نظام جمهوری اسلامی در قبال

تحولات جهان اسلام قابل تحلیل است که در واقع، بازتاب آموزه‌های دینی و اصول قانون اساسی مبنی بر ضرورت حمایت از ملت‌های مظلوم در برابر ظلم و استعمار است. بر این اساس، درخصوص قوانین مربوط به مسائل و موضوعات دارای جنبه‌های سیاسی - فرهنگی - عقیدتی و غلبه این ابعاد بر جنبه حقوقی - اجتماعی آن، تفسیر قضایی در این گونه موارد باید در چارچوب سیاست قضایی افتراقی و پرهیز از کاربست اصول و قواعد رایج تفسیر قانونی باشد. در این راستا، در مقام تفسیر قضایی افتراقی بایسته است:

۱. از آنجا که ترک فعل نرساندن مظلومیت مردم فلسطین یا جنایات رژیم صهیونیستی به گوش جهانیان، مفهومی مشکک و ذی مراتب است، بنابراین احراز جرم ترک فعل رسانه‌ای از سوی مسئولان باید در چارچوب اقدام حداقلی یا اقدام عرفی تفسیر شود و نه در چارچوب اقدام حداکثری و آرمان‌گرایانه.

۲. تفسیر و تطبیق ارکان و شرایط جرم همکاری رسانه‌ای هم نباید در قالب تحلیل تکنیکال و فنی حقوق کیفری باشد؛ بلکه تفسیر قضایی باید به گونه‌ای باشد که اجماع ملی حول اصل حمایت از مظلوم در برابر ظالم - که ریشه در باورهای عمیق و عرف جامعه ایرانی دارد - به سطح بررسی جزئی کنش‌های فضای مجازی تنزل نیابد و دستاویزی برای دودستگی و انشقاق در این راهبرد ملی نشود. بنابراین کنش‌های رسانه‌ای مانند ادعای عدم کشتار بی‌گناهان توسط رژیم اسرائیل یا ادعای عدم تهدید ایران توسط اسرائیل یا تبریته رژیم صهیونیستی از حادثه تروریستی کرمان یا ادعای نمایشی و بی‌اثر بودن عملیات وعده صادق و مانند آن، قابلیت طرح به عنوان یک پرونده کیفری در چارچوب فرایند رسیدگی قضایی را ندارد.

۳. در صورت احراز ارکان جرم همکاری رسانه‌ای از سوی افراد غیر حرفه‌ای غیر مشهور - مانند اظهار همبستگی و همدردی با اسرائیلی‌ها یا حتی اظهار تشکر از رژیم صهیونیستی بابت کشتار فلسطینیان چنانچه کنش رسانه‌ای از روی جهل به واقعیات تاریخی یا مشتبه شدن امر در نتیجه فضای رسانه‌ای باشد، بهترین، منطقی‌ترین و مناسب‌ترین واکنش به این کار، توجیه و تبیین مسئله و روشن کردن قضایای تاریخی و آگاه کردن این افراد از فرایند تشکیل و توسعه رژیم صهیونیستی و ستم‌هایی است که در طول این سال‌ها بر فلسطینیان روا داشته شده است و نه واکنش کیفری و تعیین مجازات قضایی.

۴. در صورت احراز ارکان و شرایط جرم همکاری رسانه‌ای از سوی افراد غیر حرفه‌ای مشهور نیز - مانند حیوان خواندن طرفین درگیری در غزه و اظهار بی‌طرفی در این درگیری از سوی یک مجری حرفه‌ای - بهترین واکنش، توجیه و آگاه‌سازی و در صورت امکان، الزام وی به تصحیح موضع پیشین با توجه به گستره تأثیرگذاری کنش قبلی این دسته از افراد است.

۵. در صورت احراز ارکان و شرایط جرم همکاری رسانه‌ای از سوی افراد حرفه‌ای رسانه‌ای

یا کارشناسان امر - مانند مجریان، خبرنگاران، تحلیل‌گران و مصاحبه‌کنندگان با شبکه‌های فارسی‌زبان معاند که برای نمونه تصاویری از کشتار مردم غزه را صوری می‌دانند یا به حماس درخصوص حمله به آمبولانس اتهام می‌زنند - جهت پرهیز از لغویت قانون از یک سو و نیز جلوگیری از تغییر نگرش و بدبینی فلسطینیان و مردم منطقه و در نتیجه هدررفت هزینه‌های سیاسی و عمومی ایران، باید برخوردی جدی و قاطع با این افراد در دستور کار قرار گرفته و برخورد قضایی - حتی در حد محاکمه غیابی - اعلام و رسانه‌ای شود.

۶. در همین مورد پیش‌گفته نیز باید با تفکیک بین نوع فعالیت - تحلیل رسانه‌ای یا باز نشر پست یا توییت یا صرفاً پسند (لایک) آن در شبکه‌های اجتماعی و... - و نیز دوام و استمرار آن - فعالیت مستمر یا فعالیت غیرمستمر و اتفاقی - در هر مورد مجازاتی مناسب و متناسب در نظر گرفته شود؛ و این نکته مورد لحاظ قرار گیرد که عدم تعرض به متهمان مقیم خارج از کشور و در مقابل، محاکمه و مجازات افراد ساکن کشور، ممکن است فراتر از تفاسیر فنی قضایی، موجب احساس ناعدالتی شود.

منابع

- ابوالهوی، سوزان (۱۴۰۲). زخم داوود، ترجمه فاطمه هاشم‌نژاد. چاپ ششم. تهران: انتشارات آرما.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی. جلد دوم. چاپ شصت و سوم. تهران: نشر میزان.
- القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج (۱۹۹۶). صحیح مسلم. به تحقیق محمد فزاد عبدالباقی. جلد چهارم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- الهی‌منش، محمدرضا و مرادی‌اوجقاز، محسن (۱۴۰۰). حقوق کیفری اختصاصی ۲: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: انتشارات مجد.
- برگمن، رونین (۱۴۰۱). زودتر بکش. ترجمه وحید خضاب. جلد یکم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات شهید کاظمی.
- بی‌اور، تمرا (۱۳۹۹). منازعه فلسطین و اسرائیل. ترجمه پریسا صیادی. تهران: ققنوس.
- تفتازانی، مسعود (۲۰۰۵). شرح العقائد النسفیة. به کوشش محمد عدنان درویش. جلد یکم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۵). تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران. فقه و حقوق، ۳، ۱۲۳-۱۴۰.
- حیدری، علی‌مراد و جعفری، علی (۱۳۹۸). جستاری در حقوق ارتباطات. تهران: انتشارات مجد.
- خالقی، علی (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. چاپ سیزدهم. تهران: مؤسسه حقوقی شهر دانش.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ ق). مبانی تكملة المنهاج. جلد اول. چاپ اول. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- دشتی، محمد (۱۳۹۰). ترجمه نهج البلاغه. چاپ اول. قم: انتشارات انصارالمهدی.
- دلماش مارتی، میری (۱۳۹۵). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ سوم. تهران: نشر میزان.
- ریاحی، جواد و حیدری، علی‌مراد (۱۴۰۳). طرح مجازات افراد برای اظهارنظر: از نقض سیاست‌های کلی نظام تا

مغایرت با موازین حقوق کیفری. رسانه، ۳۵(۴): ۲۹-۴۸. <https://doi.org/10.22034/bmsp.2024.435080.1975>. شمس ناتری، محمدابراهیم؛ ابوالمعالی الحسینی، سید وحید و علیزاده طباطبایی، زهراسادات (۱۳۹۰). ویژگی‌های جرم‌انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر. راهبرد، ۲۰(۵۸): ۲۶۷-۲۹۹. صالح، محسن محمد (۱۴۰۱). قضیه فلسطین. ترجمه صابر گل‌عنبری و یوسف رضازاده. تهران: انتشارات مرکز مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. جلد سوم. چاپ هشتم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

عابدی، احمد رضا (۱۴۰۲). آیین دادرسی کیفری. چاپ هفتم. تهران: انتشارات قوه قضاییه.

العاملی، محمد بن الحسن الحر (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. جلد دوازدهم. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البیت.

عبدالرئوف سلیم، محمد (۱۳۸۶). آژانس یهود. ترجمه کاظم نراقی. تهران: انتشارات اطلاعات.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. جلد اول. تهران: المطبعة العلمیه.

قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه. جلد چهارم. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). اصول کافی. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۱). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چاپ بیست‌وپنجم. تهران: نشر میزان.

گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. چاپ ششم. تهران: انتشارات جنگل.

مانی‌فر، محمدرضا و هوسپیان، موشق (۱۴۰۲). جایگاه، رسالت و مسئولیت اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه دست‌اندرکاران. رسانه، ۳۴(۱)، ۱۴۳-۱۶۶. [Doi:10.22034/bmsp.2022.348139.1749](https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.348139.1749)

محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۲). قواعد فقه: بخش جزایی. چاپ چهل‌وششم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مصدق، محمد (۱۳۹۵). شرح قانون مجازات اسلامی. جلد اول. چاپ نهم. تهران: انتشارات جنگل. جاودانه.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۹). حقوق کیفری اختصاصی ۳: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. چاپ چهارم. تهران: نشر میزان.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی ۲: مسئولیت کیفری. چاپ سوم. تهران: نشر دادگستر.

هیکل، محمدخیر (۱۹۹۶). الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه. جلد اول. دمشق: دار البیارق.

Abedi, A. R. (2023). *Criminal Procedure*. 7 edition. Tehran: Judiciary Publications. [In persian]

Abolhawa, S. (2023). *The Wound of David*. translated by Fatemeh Hashemnejad. sixth edition. Tehran: Arma Publications. [In persian]

Al-Qushayri Al-Nisaburi, M. (1996). *Sahih Muslim*. edited by: Muhammad Fuad Abdul-Baqi. Vo 4. Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.

Amoli, M. H. (1988). *wasayil alshiea*. Vo 12. first edition. Qom: Al-Bayt Foundation.

Ardebili, M. A. (2023). *General Criminal Law*. Vo 2. Sixty-third Edition. Tehran: Mizan Publishing House. [In persian]

Ayyashi, M. M. (2001). *Tafsir al-Ayyashi*. Vo 1. Tehran: Al-Matba'ah al-'Ilmiyyah.

Beaver, T. (2019). *The Israeli-Palestinian Conflict*. translated by Parisa Sayadi, Tehran: Qognos. [In persian]

Bergman, R. (2022). *Rise and Kill First*. translated by Vahid Khazab. Vo1, Tehran: Shahid Kazemi Publications. [In persian]

Delmas, M. (2016). *Great Systems of Criminal Politics*. translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi. third edition. Tehran: Mizan Publishing. [In persian]

Elahi-Manesh, M. R., & Moradi-Ojghaz, M. (2021). *Special Criminal Law 2; Crimes against Public Security and Peace*. Tehran: Majd Publications. [In persian]

Goldoust Jouybari, R. (2016). *Criminal Procedure*. 6th edition. Tehran: Jangal Publications. [In persian]

- Goldouzian, I. (2022). *Requirements of general criminal law*. 24 edition. Tehran: Mizan Publishing House. **[In persian]**
- Habibzadeh, M. J., & Mousavi Mojab, S. D. (2006). Analysis of the Crime of Propaganda Activity Against the Islamic Republic of Iran. *Jurisprudence and Law*, 9, 123-140. **[In persian]**
- Haykel, M. K. (1996). *Al-Jihad and Combat fi Siyaseh al-Sharia*, Vo 1. Al-Awwal, Damascus: Dar al-Biyarq.
- Heydari, A. M., & Jafari, A. (2019). *Reeearch in Communications Law*, Tehran: Majd Publications. **[In persian]**
- Dashti, M. (2011). *Nahjul-Balagha translated*. first edition. Qom: Ansar al-Mahdi Publications.
- Khaleghi, A. (2016). *Criminal Procedure*. Vo 2. 13 Edition. Tehran: Shahr Danesh Law Institute. **[In persian]**
- Khoie, S. A. (2001). *Basics of Takmila Al-Menhaj*. Vo 1. first edition. Qom: Foundation for the Revival of Imam Al-Khoei's Books.
- Kulayni, M. Y. (1986). *Usul al-Kafi*. Vo 2. Fourth Edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Manifar, M. Hovsepian, M. (2023). Position, Mission and Social Responsibility of Islamic Republic of Iran Broadcasting from Stakeholders' Point of View. *Rasaneh*, 34(1), 143-166. **[In persian]**.
[doi:10.22034/bmsp.2022.348139.1749](https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.348139.1749)
- Mirmohammadsadeqi, H. (2020). *Special Criminal Law 3; Crimes against Public Interests of Country*. Fortieth edition. Tehran: Mizan. **[In persian]**
- Mirmohammadsadeqi, H. (2023). *General Criminal Law 2 ;Criminal Responsibility*. 3 edition, Tehran: Dadgostar Publishing House. **[In persian]**
- Mohaqqeq Damad, M. (2023). *Rules of Jurisprudence; Criminal Section*. 46 Edition. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. **[In persian]**
- Mosaddeq, M. (2016). *Explanation of the Islamic Penal Code*. Vo 1. 9 Edition. Tehran: Jangal Publications. Javedaneh. **[In persian]**
- Qomi, M.B. (1992). *Man La Yahzoroho Alfaghih*, Vo 4, Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Madrasain Community.
- Riahi, J., & Hedari, A. (2025). Plan for Punishing Individuals over Expressing Opinions From Violating General Policies of the System to Contravention of Criminal Law Standards. *Rasaneh*, 35(4), 29-48. **[In persian]** <https://doi.org/10.22034/bmsp.2024.435080.1975>
- Saleh, M. Md. (2022). *The Palestine Issue*, translated by Saber Gol Anbari and Yousef Rezazadeh, Tehran: Publications of the Center for Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs. **[In persian]**
- Salim, M. (2007). *Jewish Agency*. translated by Kazem Naraqi. Tehran: Etilaat Publications. **[In persian]**
- Shams Natri, M.I., Al-Husseini, S. V. & Alizadeh Tabatabaei, Z.S.(2011). Characteristics of Criminalization in the Light of Human Rights Documents and Standards. *Strategy Quarterly*, 20(58), 267-299. **[In persian]**
- Tabarsi, F. H. (2004). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Vo 3. eighth edition. Tehran: Nasser Khosrow Publications.
- Taftazani, M. (2005). *Sharh Aleaqayid alnusfy*. edited by Muhammad Adnan Darwish. Vo 1, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.